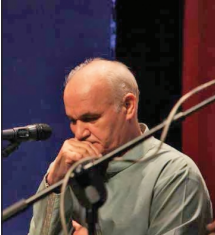


<b>نوا</b>
------------

«در مقام مثنوی»منتشر شد

آلبوم موسیقی «در مقام مثنوی» عنوان یکی از تازه‌ترین آثار منتشر شده در بازار موسیقی است که طی روزهای اخیر توسط نشر «ماهور» با نوازندگی نی‌سیامک جهانگیری و خوانندگی مظفر شعبانی در دسترس شنوندگان قرار گرفته‌است.



به گزارش همشهری، «مثنوی در آواز ابوعلی»، «مثنوی در آواز بیسات»، «مثنوی در آواز بیسات ترک»، «مثنوی در آواز افشاری»، «مثنوی در آواز دشتی»، «مثنوی در آواز بیات کرد بیات»، «مثنوی در دستگاه شور»، «مثنوی در دستگاه نوا» آثاری هستند که در مجموعه اول منتشر شده‌اند. ضمن اینکه «مثنوی در آواز بیات اصفهان»، «مثنوی در دستگاه همایون»، «مثنوی در دستگاه سه‌گاه»، «مثنوی در دستگاه چهار‌گاه»، «مثنوی در دستگاه ماهور»، «مثنوی در دستگاه راست پنجگاه» هم آثار مجموعه دوم را تشکیل می‌دهند.سیامک جهانگیری در توضیح این اثر موسیقایی نوشته‌است:اگر چه قالب مثنوی در ادبیات ایران از نظر فرم مشخصات ویژه‌ای دارد و در محتوا نیز نقش روایتگری دارد که می‌تواند در برگیرنده مضامین متنوعی از غنایی و حماسی باشد، در موسیقی نیز با همین عنوان در برخی آوازها با دستگاه‌های موسیقی ایرانی قالب فرمال معینی را نمایان کرده روایتگری خود را در معرفی محتوای مُدل هر آواز یا دستگاه ارائه می‌کند. از این رو مثنوی در موسیقی ایرانی غالباً در انتهای هر دستگاه یا آواز اجرا می‌شود و بیانگر چکیده‌ای از ساختار مدهای اصلی آن دستگاه یا آواز است که شنونده با شنیدن آن به عصاره اصلی دستگاه یا آواز مربوطه پی خواهد برد.

<b>نماهنگ</b>
<b>انتشار نماهنگ نمره عالی</b>

نماهنگی با محوریت عشق و علاقه نوجوانان به امام حسین(ع)منتشر شد.به گزارش همشهری،نماهنگ «نمره عالی» با محوریت عشق و علاقه نوجوانان به امام حسین(ع) با صدای رضا هلالی و همخوانی گروه‌های سرود آوای احسان و میعاد تولید شده‌است.بازیکران اصلی کار را نیز نوجوانان تشکیل می‌دهند و درواقع هدف این نماهنگ نشان دادن مشارکت این گروه سنی در هیئت‌های امروزی است.خط داستانی این نماهنگ دربارهٔ بیعت نوجوانان با امام حسین(ع) و مشارکت آنها در راهاندازی هیئت و درنهایت عزاداری برای سیدالشهدا(ع) است.نماهنگ «نمره عالی» داستان خواهر و برادری است که با الگو گرفتن از پدرومادر خود سعی کرده‌اند در هیئت عزاداری امام حسین(ع) حضور داشته باشند و برای راهاندازی آن کمک کنند.شاعر و آهنگساز این نماهنگ سیدجواد پرنی است و امید روشن‌بین موسیقی آن را تنظیم کرده‌است.این نماهنگ به کارگردانی علی یوسفی مفید و تهیه‌کنندگی عبدالحسین میردامادبه همت مرکز موسیقی ماوا سازمان هنری رسانه‌ای اوج ویژه مرحل سال ۱۴۰۱ ساخت شده



رویداد

### همایون شجریان در کانادا

همایون شجریان، خواننده موسیقی ایرانی که چندی پیش در تالار بزرگ وزارت کشور مجموعه کنسرت‌های «به رنگ صدا» را به رهبری ارکستر ارش گوران برگزار کرده بود، شهرپور ماه سال‌جاری در آشهر کشور کانادا این پروژه موسیقایی را پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد. به گزارش همشهری، این کنسرت‌ها قرار است در شهرهای تورنتو،مونترال، ونکوور و کالگاری برگزار شوند. این در حالی است که طبق برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته، در این کنسرت‌ها ارش گوران همچون پروژه تهران به‌عنوان رهبر ارکستر گروه موسیقی «سیاوش» به سرپرستی و خوانندگی همایون شجریان که از اواخر اسفندماه سال گذشته مجدداً فعالیت‌های خود را در عرصه اجراهای زنده با برگزاری تور کنسرت‌های اروپایی در کشورهای بلژیک، هلند، فرانسه و امارات آغاز کرده بود، تیرماه سال جاری بود که در تالار بزرگ وزارت کشور تهران روی صحنه رفت. گروه «سیاوش» به سرپرستی همایون شجریان از جمله مجموعه‌های شناخته‌شده موسیقی ایرانی طی سال‌های گذشته است که در سال‌های آغازین دهه ۹۰ اجراها و برنامه‌های زنده زیادی را پیش‌روی مخاطبان قرار دادند که از آن جمله می‌توان به مجموعه کنسرت‌های «آیینها»به آهنگسازی کیخسرو سهراب پورناظری و پروژه «به رنگ صدا» اشاره کرد، کنسرت‌هایی که در زمان اجرای خود با استقبال بسیار خوبی از سوی تماشاگران و علاقه‌مندان مواجه شد.



## فرهنگ



# ادبیات فارسی؛ مهم‌ترین منبع هنرمند ایرانی

گفت‌و گو با عماد توحیدی، آهنگساز پیرامون اثر تازه‌اش

آلبوم «هزار آرزو» و موسیقی عماد توحیدی و خوانندگی محمد معتمدی و تنظیم آرش صفدری توسط مرکز موسیقی حوزه هنری در حال تولید است و اخیراً نخستین قطعه این آلبوم در تیتراژ برنامه «پرسد به‌دست فردا»؛ از شبکه ۴ سیما پخش شد. استفاده بی‌سابقه آهنگساز از مجموعه بزرگ سازهای کوبه‌ای سه‌گانه‌ای که با بهره‌گیری

از مجموعه بزرگ سازهای کوبه‌ای ساخته شده‌شاساننده ظرفیت جدیدی در موسیقی ایرانی بود که با استقبال گسترده مخاطبان موسیقی روبه‌رو شد. تو را صدا کردم!»، «شمس‌جان» و موسیقی فیلم‌ها و سریال هایش متکی بر مثنی و منش خاص اوست. توجه ویژه او به ریتم و سازهای کوبه‌ای در آهنگسازی‌هایش پررنگ است و مخاطب در هر اثر با افضای شخصی هنرمند مواجه‌است. توحیدی مؤلف نخستین و پر تیراژ ترین کتاب آموزش دف نوازی با عنوان «شیوه دف‌نوازی» است. از او مقالات بسیاری در زمینه موسیقی، ادبیات، فلسفه و عرفان منتشر شده است و در چندین شورای تخصصی موسیقی عضویت دارد. او در خلال تولید آلبوم «هزار آرزو» به سؤالات‌مان دربارهٔ این اثر و نگرش خاصش در آهنگسازی پاسخ داده است. «هزار آرزو» امتداد رویکرد هنری ریتم محور عماد توحیدی به موسیقی است که این بار با ایده «موسیقی جوانمردان» در مراحل ضبط نهایی است.

و «مناسب‌خوانی» است. نحوه اجرای مرشد هر چند بر بنیاد موسیقی ردیف-دستگاهی ولی با پرهیز از تحریرهای طولانی و اوج و فرودهای مرسوم بوده و هست. «مرکب خوانی» مرشدان به‌دور از خودنمایی و با مهارت و سادگی اجرایی شده و استفاده از لحن‌های موسیقی نواحی توسط ایشان مرسوم بوده است. آثار برج‌مانند از روانشاد مرشد محمد مرادی نمونه‌های بسیار ارجمندی از موسیقی اصیل زورخانه با رعایت همه جوانب است.

و شما با شناخت از گونه‌های مختلف اجرای این نوع موسیقی روایت شخصی خود را ارائه می‌دهید. مانند آلبوم اول شما «کولی کوبی» که طبق توضیح آلبوم «موسیقی رقص‌های تیرهای خیالی از کولیان» بود.

بله. تلاش‌ارائه طرح‌ای موسیقایی آزاد در این مفهوم ویژه و ایده اولیه بوده است نه بازیابی و بازسازی آن… ایجاد مستقل بستر موسیقایی مناسب ایزه، توجه به

شاخص‌ها و چگونگی امتداد آنها در دوران کنونی دغدغه اصلی بود. در یکی دو آلبوم اول من در این سبک و سیاق دنبال ارائه یک تجربه مدرن بودم ولی در قلندروار و جلال‌آرازو همه چیز برای من روشن‌تر و جذاب‌تر است. در کولی کوبی منبنا خلق قطعاتی با سازهای کوبه‌ای برای رقص‌های تیرهای خیالی از کولیان بود. در ذوالجناح روایت ریتم محور از یک واقعه عاشقانه در قلندرار تصنیف‌خوانی متکی بر سازهای کوبه‌ای در فضایی ذهنی برای قلندران. آلبوم «هزار آرزو» هم تجربه هنری کاملاً فردی و شخصی در ارائه یک مضمون است هر چند شاید نشانه‌هایی گذرا از برخی تداعی‌ها در قطعات وجود دارد ولی اصل بر عدم‌ارجاعات مستقیم و آشنا بود.

و یکی از قطعات آلبوموم «هزار آرزو» به‌عنوان تیتراژ برنامه «پرسد به‌دست فردا!» پخش شد.

قطعه اول این آلبوم که در تیتراژ این برنامه پخش شد حکایت پیش‌شماره برای انتشار روزنامه‌ای جدید را داشت-روزنامه نگاران قدیمی به پیش‌شماره لقب «پیشمرگ» داده بودند!

مخاطب هم بدون اینکه چیزی راجع به آرمان‌نامه اثر و مثنی و منش آن بدانند با آن مواجه شد و خوشا که مورد اقبال قرار گرفت.

در این اثر و در همین یک قطعه منتشر شده فضایی متفاوتی از اجرای محمد معتمدی به چشم می‌خورد؛ مسئله‌ای که در آثار شما به‌عنوان آهنگساز مشهود است و در آلبوم قلندروار هم مخاطب با علیرضا افتخاری متفاوتی روبه‌رو می‌شود. در واقع شما از خواننده، اجرایی متفاوت و شنیده نشده ارائه می‌دهید. این نگاه از کجاسرچشمه می‌گیرد؟

در مورد آثار این چنینی که بر بنیاد ایده‌ای خاص شکل گرفته یک توضیح ضروری است و آن اینکه در اکثر مراحل تولید، نتیجه‌نهایی فقط برای من روشن است و همکاران در یک فضای مه‌آلود و نامشخص و با یک اعتماد هنری نقش خود را ایفا می‌کنند. از طرفی با توجه به اینکه در این اثر -مانند قلندروار با اجرای درخشان علیرضا افتخاری، ایده کار مبتنی بر استفاده گسترده و اختصاصی از سازهای کوبه‌ای بود و نیاز به

بر سازهای کوبه‌ای و شاخصه‌های بارز «کولی کوبی» بود. همچنین می‌پخشید.

و نقش ادبیات در انتخاب سوزه خلق یک اثر توسط شما بسیار جدی است.

معتدقم که بزرگ‌ترین منبع هنرمند ایرانی ادبیات است. یک گنج بی‌پایان از ایده و طرح و تکنیک. هنرمندی که از خواندن غزل سعدی و حافظ و مولانا عاجز است ذهن و زبان ویژه‌ای ندارد. این لغت با ادبیات در موسیقی ایران یک رابطه دیرپا و تاریخی است. همه بزرگان موسیقی ما فهم درستی از ادبیات داشته‌اند و انس با شعر از اسباب بزرگی ایشان بوده است. سطح معرفت ادبی یک ساززنده موسیقی به‌وضوح در آثار قابل تشخیص و شناسایی است.

توجه ویژه شما به ادبیات در آثارتان هویداست. این توجه در روایت دو افسانه «پسری که می‌خواست بداند» و «تیتیل و بیبیل» با بهرام‌هی موسیقی نواحی- آلبوموم «از دحام سکوت» با اشعار ارفغ کرمانی و شعر خوانی بهروز رضوی، آلبوم «در بهار تو را صدا کردم» با شعر و خوانش احمد رضا احمدی و آلبوم «شمس‌جان» که حکایت کنیزک و پادشاه از دفتر اول مثنوی مولانا با اجرای داوود آزاد قابل شناسایی است. در آلبوم «قلندروار» هم اشعار انتخاب شده در مسیر پردازش موسیقایی مضمون واجدار تطابقی ویژه با یکدیگرند. این نشان‌دهنده وسواس و سختگیری شما در همداستانی حداکثری شعر و موسیقی است؟

آسان‌گیری انتخاب شعر برای ساخت یک قطعه خسارت محض است. در فرایند ساخت نسخه‌ای موسیقایی از یک شعر، آهنگساز باید به لایه‌های پیندا و پنهان معنا، عاطفه و خیال شاعر توجه کند و با این عناصر رابطه حسی قدرتمندی داشته باشد. اگر این کار روفش است، شما به حجم تولیدات سفارشی در موسیقی، کم‌تر بودن این آثار بر مخاطب واقفید و این اتفاق ناگوار در همه هنرها قابل مشاهده است.

یک هنرمند بیکتر تراش هیچ زمانی از یک سنگ تکتور جدا می‌شود و یک کتب تخصصی خود نوشته‌ای اجرا می‌کنند نمی‌کنند و اگر به‌لایلی مجبور به این کار شود محصول ارجمندی به‌بار نمی‌آید. در واقع هنرمند متکی بر دلائل عقلی با سبتر اجرای اثر دلخواش رابطه‌ای عاطفی برقرار می‌کند و سپس فرایند خلق اثر هنری را آغاز می‌کند. شعر و موسیقی به‌یاد انگیزهای عقلی و حسی باید چنان در هم تنیده شوند که در پیکره‌ای واحد جلوه کنند. تصور می‌کنم موسیقی کلام محور موسیقی اقوام ایرانی دارد. پیشنهاد ساخت ۸قطعه محتوای اندیشه و عاطفه شعر است. بدیهی است انتخاب شعر در تولید یک آلبوم و نه تک قطعه توجه بسیار بیشتری را می‌طلبد چرا که شعر انتخابی در عین استقلال باید رابطه زبانی و محتوایی مناسب و مرتبطی با دیگر اشعار آلبوم داشته باشد.

خبر داریم که در مراحل پایانی تولید آلبوم «لایلی‌های دره بریان» هستید. اگر ممکن است در مورد این آلبوم هم توضیح دهید.

دفتر موسیقی حوزه هنری با اسکنداری شاعر ارجمند معاصر میلاد عرفانپور توجه ویژه‌ای به انواع موسیقی و ارائه الگوهای فرهنگی متنوع براساس موسیقی اقوام ایرانی دارد. پیشنهاد ساخت ۸قطعه لالایی با کلامی امروزیین از او بود و قرار بر این شد که تمرکز این اثر بر نمادها، لپچه و برخی خصوصیات موسیقی بوشهر باشد که از غنی‌ترین موسیقی‌های نواحی ایران است. تنظیم اثر توسط دوست عزیزم محمد لاریان، هنرمند ارجمند بوشهر انجام شده است. او و اعضای هنرمند گروه موسیقی سیریا زحمات بسیاری برای تولید این آلبوم کشیدند و هم‌اکنون در حال سفر می‌کند و لذت این کشف و شهود هنری آرش صفدری در حال انجام و فرجام است.

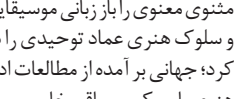
## همایش‌های

یادداشت

نوا یونگ: خبرنگار

### کشف و شهودرها و کولی وار

از زمانی که «کولی کوبی» با فضایی متفاوت از اصوات و ریتم‌ها و بسا عنوانی برآمده از ذهن مؤلف منتشر شد تا آلبوم «شمس‌جان» که جهانی متفاوت از جهانی متفاوت از



مثنوی معنوی را باز زبانی موسیقایی بیان کرده، می‌توان سیر و سلوک هنری عماد توحیدی را در مقام آهنگساز مشاهده کرد؛ جهانی برآمده از مطالعات ادبی و کشف و شهودی هنری با سبک و سیاقی خاص … ریتم و بهره‌مندی از سازهای کوبه‌ای در آثار عماد توحیدی حرف اول را می‌زند و نقش پررنگی در کارنامه موسیقایی او چه در ساخت آلبوم‌های مستقل و چه موسیقی فیلم‌ها و تئاتر هایش دارد و نمونه بارز این توجه، حضور بیش از ۵۰ساز کوبه‌ای از فرهنگ‌های سراسر جهان در قالب ارکستری بزرگ و در غیاب سازهای زهی و بادی در آلبوم «کولی کوبی» است. در این نخستین اثر مستقل، آهنگساز مسیر حرکت خود در دنیای موسیقی را کاملاً از دیدگران جدامی‌کند و اثری را خلق می‌کند که در آن سال‌های اولیه دهه ۸۰ حرکتی جسورانه و پیشرو به حساب می‌آمد چرا که آثار موسیقایی با غلبه محض سازهای ملودیک تولید می‌شد و سازهای کوبه‌ای نقشی همراهی‌کننده ایفا می‌کردند.

اما عماد توحیدی در نخستین آلبومش شخصیت بسیار متفاوتی از سازهای کوبه‌ای ارائه داد و تجربه شنیداری تازه‌ای برای شنونده موسیقی رقم زد. حضور کهرنگ خوانندگان یکی از شاخصه‌های بارز «کولی کوبی» بود. آن هم در روزگاری که همه آثار بسر محور صدای خواننده ساخته می‌شدند و بروز خواننده‌سالاری در موسیقی ایران به بالاترین حد خود رسیده بود اما عماد توحیدی از اجرای خواننده تنها برای سایه روشنی گذرا بهره‌برد و این صدا تنها بخشی از مجموعه بزرگ و رنگارنگ صداهای موجود در موسیقی اش بود. این اندیشه و تفکر موسیقایی آهنگساز با خلق آلبوم «ذوالجناح» ادامه یافت و آن بی‌قراری شورانگیز در مضمونی دیگر مطرح و جان گرفت. مخاطب در این اثر که گونه‌ای از موسیقی روحانی است بار دیگر با صدای سازهای کوبه‌ای فرهنگ‌های گوناگون در نقش آفرینی جدید و تابوشکن روبه‌رو شد. در این اثر غوغای عماد توحیدی خوانشی براساس سنت موسیقی دینی در اشکال متنوع و مشروعبت دادن آن در فضایی مدرن و تجربه‌شده بود. همنشینی مقام‌های خراسانی، بوشهری، کردی، آذری، عربی و افریقایی، سنت‌های عزاداری کرمان و حتی موسیقی کلبسایی و اشاراتی به موسیقی جز در حد فیکور از نکات قابل ذکر این است. نکته قابل توجه در این آلبوم استفاده از دوبیتی‌خوانی‌های عروس‌های بوشهر و گاهی بهره‌گیری از آواهای ماهگیری و موسیقی کار و همچنین استفاده از ریتم‌های ۶/۸ و ۵/۸ در بطن یک موسیقی مذهبی است. اها و ریتم‌هایی که در سنت عزاداری مرسوم نیست

و جسارت آهنگساز را در ورود به مبحثی چالش‌برانگیز محک می‌زد. وجه تشابه این اثر با «کولی کوبی» عنصر آواز است که باز هم به‌صورت کم‌رنگ به کار گرفته شده است. در «ذوالجناح» بار دیگر عماد توحیدی گروه همسران را جایگزین تک صدای مسلط خواننده در اثرش کرده است که نشان از هم‌ترازی صدای انسان با صدای سازها در ذهن سازنده اثر دارد. بعد از انتشار آلبوم «قلندروار» مخاطب در عین تشخیص امضا و نشان آهنگساز که همان استفاده مناسب و بجا از سازهای کوبه‌ای و ریتمیک بود با وجهی از صدای خواننده مواجه شد که با آن زمان بی‌سابقه بود. در واقع رهایی کولی‌وار موسیقی عماد توحیدی (کولی را شاید بتوان مجموعه‌ای از موسیقی‌های ذهن آهنگساز در بستر اصواتی بگر دانست) این بار در صدای علیرضا افتخاری در مقام خواننده به خوبی متجلی شد و شاید همین مسئله در کنار دیگر شاخص‌های برجسته اثر باعث شد که در اواسط دهه ۸۰، «قلندروار» یکی از پر فروش‌ترین آلبوم‌های تاریخ موسیقی ایران شد. عماد توحیدی در آلبوم «از دحام سکوت» با اشعار زنده‌یاد ارفغ کرمانی نمونه‌ای از طراحی داد و برای خوانش ۱۷ غزل توسط بهروز رضوی ۱۷ قطعه موسیقی مستقل آفرید. این تجربه همنشینی دکلماسیون شعر و موسیقی در آلبوم «در بهار تو را صدا کردم» تکرار شد و موسیقی‌های عماد توحیدی بر خوانش خاطره انگیز احمدرضا احمدی نشست و ۱۳ قطعه از اشعار این شاعر نامدار معاصر با موضوع بهار منتشر شد. «شمس‌جان»، آخرین اثر منتشر شده عماد توحیدی در مقام آهنگساز است. آلبومی که همانند دیگر آثار او فارغ از مرزهای فرهنگی موسیقی، با اجرای حکایت کنیزک و پادشاه از دفتر اول مثنوی معنوی و اتکا بر اندیشه‌ساز و ناب و بی‌مرز مولانا خلق شده. موسیقی راز آلودی که با ترکیبی از سازهای کوبه‌ای و عود و ریاب و فیچک و آواهایی غریب ساخته شده است.

این آهنگساز و نوازنده سازهای کوبه‌ای در آخرین اثرش از قابلیت‌های صدای داوودآزاد در شکلی جدید و فضایی شنیده نشده بهره گرفت؛ کاری که یک دهه قبل از آن در همکاری با علیرضا افتخاری موفق به انجامش شده بود. بهره‌گیری از صدای خوانندگان موسیقی ایران توجه به بخش‌های پنهان صداهای آنها تیرح عماد توحیدی است به‌طوری که در هرسر اثر با صدا و اجرای دیگری از خواننده روبه‌رو می‌شویم. این بار نیز با توجه به انتشار یک قطعه از آلبوم در دست تولید «هزار آرزو» و تحلیل نقش و اجرای خواننده به‌نظر می‌آید جلوه‌ای تازه و روایتی نواز صدای

یکی از نکات قابل ذکر در تمامی آثار عماد توحیدی وجه تصویری بودن سناخته‌های اوست که شاید منبعث از تحصیلات او در حوزه سینمااست. فضایی که مخاطب از شنیدن ملودی‌های او و نحوه پردازش آنها در ذهنش می‌سازد با ارجاعات نشانه شناسانه به تداعی‌های فرهنگی است. در واقع او با هوشمندی آدرس‌هایی کدوار از جغرافیای فرهنگی موسیقی منظرش می‌دهد ولی بی‌هیچ الزام و توفقی از جایی به جای دیگر سفر می‌کند و لذت این کشف و شهود هنری کولی‌وار را نصیب مخاطب می‌کند.